جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۹۶ - ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹
سال نوزدهم - شماره ۵۳۲۶ - ۱۶ صفحه
قیمت در استان تهران و البرز: ۵۰۰ تومان
سایر استان‌ها: ۳۰۰ تومان

روحانی: کم عقل اید!

مخالفت با دولت معنایی ندارد، مبارزه با دولت به معنای مبارزه با منافع ملی و ضربه زدن به امید و اعتماد مردم است

یادداشت سردبیر | رئیس‌جمهور مرزهای تفکر را جابه‌جا کرد

چرا روحانی دیروز منتقدان خود را بی‌عقل نامید؟ جواب حتی برای حامیان دولت هم روشن است، چون روحانی در حوزه ورشکسته بانکی حرفی برای گفتن ندارد، چون او چندی پیش به مردم گفت خیالتان از بابت دلار راحت اما چند هفته بعد از آن دلار ۵ هزار تومان شد و هنوز مردم برای خرید دلار صف می‌بندند، چون اگر رئیس‌جمهور بگوید تورم یک رقمی است، دردی از مردمی که تورم دیگری را با جیب‌شان احساس می‌کنند دوا نمی‌کند. پس رئیس‌جمهور کاملاً حساب شده یک توهین در سخنانش می‌گنجاند تا حرف‌های بانکی و اقتصادی‌اش دیده و شنیده نشود و فضای مجازی بر مرکب ناسزایی که او به منتقدان گفته است، سوار شود و فردا روزی کسی به یاد نیاورد که رئیس‌جمهور در مجمع سالیانه بانک مرکزی درباره اقتصاد و نظام بانکی اصلاً چه گفت.

صفحات یک و ۴

پیشخدمت پاریسی ترامپ در تهران

بعد از چند بار آمدن، نیامدن کردن و تغییر چندباره زمان سفر نهایتاً وزیر خارجه فرانسه به ایران آمد اما با ادعاها و لحنی امریکایی. «ژان ایو لودریان» البته قبل از آمدن گفت ایران باید به نگرانی‌ها درباره برنامه موشکی خود توجه نشان دهد یا اینکه با تحریم‌های احتمالی مواجه خواهد شد تا برای چندمین بار اثبات کرده باشد استقلال پاریس از واشنگتن بی‌معناست و شأن پاریس در حد رستوران‌های معروف آن فروکاسته شده و رابطه ساکنان کاخ الیزه با کاخ سفید به رابطه پیشخدمت-صاحب‌رستوران تقلیل یافته است

صفحه ۱۵

گفت‌وگوی «جوان» با مهندس پرویز فتاح رئیس کمیته امداد امام خمینی(ره)

خوش‌حساب‌ترین مشتری بانک‌ها مددجویان کمیته امدادهستند

۱۲

کالای ایرانی سهمی در بازار ۸۰ هزار میلیاردتومانی نوروز ندارد

صنوفی که از کسادی بازار گلایه می‌کردند در ماه پایانی سال به هیچ مصرف‌کننده‌ای رحم نمی‌کنند و با گرانفروشی تلاش می‌کنند به قول خودشان زیان ۱۱ ماه گذشته را جبران کنند

۱۶

آمار فروش سینماها در سال ۹۶ و ریزش چشمگیر مخاطبان سینما

سینمایی که تنها با کمدی حالش خوب می‌شود!

۶

ویژه

کاشت نهال کم‌کاری زیر تابلوی مصدق!

بازخوانی کارنامه هفت ماهه شورای شهر نشان می‌دهد پرت کردن اذهان از بیکاری این شورا هرازچندگاهی نیاز به شانتاژ و فضاسازی رسانه‌ای دارد |صفحه ۳

یادداشت محمدجواد اخوان

دوقطبی به نام «مصدق»، از ۵۹ تا ۹۶

صفحه ۲

یادداشت حسین قدیانی

«کارگر جنوبی» را هم بکنید «حسن روحانی»

صفحه یک

رهبر معظم انقلاب:

علم بدون تعهد دینی و انقلابی ملتی را خوشبخت نمی‌کند

در تحصیل علم باید جهادی عمل کرد؛ در فعالیت سیاسی میدانی هم باید جهادی عمل کرد. جهاد همه‌اش به معنای شمشیر کشیدن و چپ و راست به این و آن زدن نیست، جهاد یعنی خسته نشدن |صفحه ۲

طی حکمی از سوی رهبر انقلاب

حجت‌الاسلام حاج‌صادقی نماینده ولی فقیه در سپاه شد

صفحه ۲

رئیس‌جمهور مرزهای تفکر را جابه‌جا کرد

یادداشت سردبیر

غلامرضا صادقیان

گاهی که در کوچه و خیابان، بحثی میان رهگذران می‌شود و یک طرف به طرف دیگر می‌گوید بی‌عقل یا کم عقل، حتماً دعوای سختی می‌شود و اگر کسی که فحش خورده است به قانون آشنا باشد، می‌تواند شکایت کند و قاضی برای فحاش، به اتهام توهین، کیفرخواست صادر می‌کند اما رئیس‌جمهور حسن روحانی با آنکه بر قله توهین به منتقدان نشسته و با بی‌عقل خواندن منتقدانش در روز گذشته شمار توهین‌های خود را به عدد ۵۴ رسانده است، هیچ کس از او شکایت نمی‌کند و مدعی‌العموم هم وارد نمی‌شود چون منتقدان اتفاقاً عقل دارند و می‌دانند شکایت از رئیس‌جمهور وقت هدر دادن است.

روحانی دیروز در مجمع سالیانه بانک مرکزی گفت: «برخی به بهانه مخالفت با دولت به امید و آینده ملت ضربه می‌زنند که البته این اقدامات بر مبنای کم‌عقلی و کمبود عقل است.»

هیچ منتقدی در ایران که خود را در چارچوب نظام تعریف کرده باشد، نام «مخالف دولت» را برای خود نمی‌پسندد چون عنوانی کلی و مبهم است و از مخالفان روش‌ها و سیاست‌ها تا مبارزان مسلح را در بر می‌گیرد و چون همه منتقدان داخلی، دولت را به عنوان بخشی از نظام و بلکه بخش اصلی آن پذیرفته‌اند، عنوان «مخالف» به عنوان یک مفهوم خاص به آنان نمی‌چسبد. به همین خاطر روحانی که سخنرانی‌های مبسوطی در شرح نقدپذیری دولت خود انجام داده است، نمی‌تواند از «منتقدان» خود نام ببرد و آنها را بی‌عقل بنامد و ناگزیر از واژه جعلی «مخالفان دولت» استفاده می‌کند که هویتی در بیرون از ذهن ندارند. بنابراین ما هم برای آنکه بی‌عقل‌های مورد نظر رئیس‌جمهور مصداقی در بیرون داشته باشد و سخنان او را خیالی و توهمی ندانیم، منظور او را از مخالفان، همان منتقدان یا مخالفان برخی روش‌ها و سیاست‌های دولت فرض می‌کنیم، چون کسی را در حال مبارزه مسلحانه یا حتی مبارزه منسجم حزبی و تشکیلاتی با دولت نمی‌بینیم! با این فرض باید پرسید چرا روحانی دیروز منتقدان خود را بی‌عقل نامید؟ جواب حتی برای حامیان دولت هم روشن است، چون روحانی در حوزه ورشکسته بانکی حرفی برای گفتن ندارد، چون او چندی پیش به مردم گفت خیالتان از بابت دلار راحت اما چند هفته بعد از آن دلار ۵ هزار تومان شد و هنوز مردم برای خرید دلار صف می‌بندند، چون اگر رئیس‌جمهور بگوید تورم یک رقمی است، دردی از مردمی که تورم دیگری را با جیب‌شان احساس می‌کنند دوا نمی‌کند. پس رئیس‌جمهور کاملاً حساب شده یک توهین در سخنانش می‌گنجاند تا حرف‌های بانکی و اقتصادی‌اش دیده و شنیده نشود و فضای مجازی بر مرکب ناسزایی که او به منتقدان گفته است، سوار شود و فردا روزی کسی به یاد نیاورد که رئیس‌جمهور در مجمع سالیانه بانک مرکزی درباره اقتصاد و نظام بانکی اصلاً چه گفت.

اینجاست که باید به رئیس‌جمهور گفت قبول! منتقدان دولت بی‌عقل هستند اما بهتر نیست شما بگویید برای ۶ میلیون بیکار رسمی کشور چه کرده‌اید؟! شما بگویید چرا در تبلیغات انتخاباتی در یزد با زبان تمسخر و در مخالفت با دولت گذشته(!) گفتید از صبح زود یک قیمت دارد و تا ظهر چند بار دیگر باید قیمت بگیریم اما در دولت خودتان هم وضع همین طور است؟ بگویید چقدر قاچاق کالا را کنترل کردید؟ شاخص مبارزه با فساد در دولت دوازدهم چگونه است؟ بگویید از پس از ۴۰ سال مسئولیت در نظام جمهوری اسلامی بابت عقب ماندگی در اجرای عدالت بخواهید از مردم عذرخواهی کنید، نفر چندم صف عذرخواهی هستید؟ ایرادی ندارد در جلوی صف باشید مثلاً بگویید نفر هزارم اما به هر حال یک رقمی بگویید!

راستی از آفتاب تابان چه‌خبر؟! به مردم بگویید چرا به جای دولت مستقر امریکا، همچنان با وزیر خارجه سابق امریکا جلسه می‌گذارید؟! یعنی هنوز باور دارید که «امضای کری تضمین است»؟

رئیس‌جمهور دیروز مرزهای دموکراسی را نیز جابه‌جا و امید انديشمندان حوزه سیاست را به کلی ناامید کرد. او در اظهار نظری به واقع عجیب گفت: «مخالفت با دولت معنایی ندارد. مبارزه با دولت به معنای مبارزه با منافع ملی و ضربه زدن به امید و اعتماد مردم است.» (نقل از سایت ریاست جمهوری) برای اصلاح‌طلبان، برای اعتدالگرایان و برای روشنفکران باید آب طلا آورد تا بنویسند که یک‌شنبه ۱۳ اسفند ۱۳۹۶ پیش از ظهر در حالی که گروهی از مردم در صف خرید ارزهای خارجی بودند و وزیر رفاه دولت دوازدهم چندی پیش اعلام کرد که ۳ میلیون ایرانی شب‌ها را گرسنه می‌خوابند و در حالی که اژدهای هفت سر فساد بر تنه بخشی از جامعه پیچیده و در حال بلعیدن آن است، رئیس‌جمهور ایران گفت: «مخالفت با دولت معنایی ندارد.» این گزاره حقیقتاً عامل جابه‌جا شدن مرزهای تفکر بود و همه سخنان ضد مردم‌سالاری و ضد نقدپذیری در تاریخ دولت‌های متمدن جهان در کنار این سخن روحانی، توهمی بیش نیست.

خوب است آقای رئیس‌جمهور نسخه‌ای از سخنان دیروز خود را برای استاد علوم سیاسی نزدیک به دولت خود که اخیراً کتابی با عنوان «احیای علوم سیاسی» نوشته بفرستد تا این سخنان ضمیمه‌ای بر چاپ‌های آتی این کتاب شود زیرا هیچ چیز بیشتر از سخنان دیروز روحانی نمی‌تواند به نویسنده کتاب اطمینان و انگیزه بدهد که بگوید: «حکمت سیاسی و دانش سیاست که ذاتاً معطوف به آینده و تدبیر و تغییر و اصلاح و حل مسائل و تشخیص و علاج و درمان بیماری‌های اجتماعی و عمومی به ویژه ناروایی‌ها و ستمکاری‌ها و بیدادگری‌ها بوده است، به دانشی بی‌تفاوت و خنثی و منفعل و بی‌هدف بدل شده است و در نتیجه همین فرایند، با علمی و اثباتی شدن دانش سیاست، رابطه ذاتی آن دانش با اخلاق و اقتصاد و حقوق هم، به عنوان ابزارهای تحقق مجموعه اهداف حکمت سیاسی از جمله عدالت و سعادت و بهزیستی و رفاه‌گستری، گسیخته یا کلا پایمال شده است.»

رئیس‌جمهور در میان انبوهی از حامیان و مشاوران و معاونان روشنفکر خود و در حالی که آنان از علم سیاست به عنوان ابزار گستردن عدالت و نقد و نظارت و محاکمه دولت‌ها به نفع مردم، ناامید شده‌اند، سر بالا می‌گیرد و می‌گوید: «مخالفت با دولت معنایی ندارد.» اگر مخالفت با دولت معنایی ندارد، روحانی چگونه در سال ۹۲ وارد کارزار انتخاباتی شد؟! آیا روش او در آن زمان موافقت و همراهی با دولت مستقر بود؟! اصولاً دوره زمانی و مکانی دولت از نظر روحانی به چه معنایی است و آیا مخالفت و مبارزه با دولت قبل چه در زمان استقرار و چه پس از آن، ضربه زدن به امید و اعتماد مردم نیست؟! مخالفت با نهادهای وابسته به نظام چه؟! روحانی در پنج سال گذشته بارها با دستگاه قضایی و برخی نهادهای اصلی نظام، مخالفت کرده‌است، تا جایی که با این خطاب برخی حامیان و منتقدان خود روبه‌رو شد که «نمی توان هم رئیس‌جمهور بود و هم اپوزیسیون.» آیا این نوع مبارزه به اعتماد مردم ضربه نمی‌زند؟!

رئیس‌جمهور دیروز منتقدان را بی‌عقل خواند اما عموم منتقدان او سکوت کردند و نگفتند آقای رئیس‌جمهور وقتی چند روز پیش به عنوان «حاکم» حرف‌های یک «حکیم» را مرور می‌کردی و روی آن مانور می‌دادی، همه مثال‌هایت اشتباه بود و نشان می‌داد حرف حکیم عاقل را درست نگرفته‌ای. دیگر خود دانی.

«کارگر جنوبی» را هم بکنید «حسن روحانی»

یادداشت

حسین قدیانی

حرف تازه‌ای نیست اینکه سعی کنیم در قبال شبهه پراکنی عناصر اجرایی، حتی‌المقدور سکوت مصلحت‌اندیشانه کنیم و هر چه گفتند، بگوییم؛ «سلمنا! لطفا بگویید چه کرده‌اید در حوزه کاری خود!» لیکن اگر «هر چه گفتند» به «هر چه کردند» تبدیل شد، چه؟! آیا اینجا هم می‌توان همین نسخه را پیچید؟! مع‌الاسف در شرایطی قرار داریم و با کسانی طرفیم که حتی در مواجهه با شماری افعال هم، همان به که بگذاریم و بگذریم؛ اقلا با این نیت که مسائل فرعی، اصلی نشود اما گاه هست که عملی ذاتاً غیر مهم «نمادسازی» می‌کند و فرهنگی به دنبال خود می‌آورد و مقدمه کارهایی دیگر می‌شود! القصه! در روزگاری که بسیاری از مردم، درگیر تنگنای معیشت هستند و دغدغه‌هایی از جنس اقتصاد دارند و واقعا مانده‌اند با رکود و بیکاری و تورم چه کنند، تغییر نام خیابان «کارگر شمالی» حتی به «دخترایی دونالد ترامپ» یا «صبیه شاه سلطان حسین» یا «بانوی ترکمنچای» یا «اسب ترکمن» یا «پلنگ صورتی» یا «پیپ پدر پسر شجاع» خیلی هم نباید اتفاق مهمی جلوه کند ولی مسئله اینجاست؛ امروز «کارگر شمالی» می‌شود «مصدق» و اگر «تست حضرات» جواب داد، فردا و لابد به نشانه اعلام دوستی با بشکه‌های آل سعود، می‌روند سراغ اسم اتوبان «امام علی» و تبدیل آن، اگر نه به «دیگری» که حداقل به «ملک عبدالله» با این توجیه که «درخت دوستی بنشان!» و پس‌فردا هم مدعی می‌شوند که «ارزش امام راحل، بسی بزرگ‌تر از نام یک خیابان است؛ لذا چه اشکالی دارد تغییرش دهیم به مهندس بازرگان که قطعاً خدماتی هم داشت؟!» والله به جماعت غربزده اگر رو بدهی، قاسم سلیمانی را نه «تحریم» که «تهدید» هم خواهند کرد! همچنان که در اوج وقاحت، از ضرورت توبیخ سردار نیروی قدس سپاه ما، اباطیل دور و دراز نوشتند! و همچنان که تیتر زدند؛ «سرتیپ حسین همدانی در سوریه کشته شد!» و همچنان که رنگ لوگوی روزنامه خود را با پرچم لعین تکفیری، ست کردند! و همچنان که باری پیش از این، خواهان تجدیدنظر در ادبیات زیارت عاشورا شدند و رسماً و علناً «فرهنگ شهادت» را «مروج خشونت‌طلبی» نام نهادند! پس حساسیت ما، تنها روی این نیست که نامی برود و نامی بیاید! ما از قضا، قائل به نوشتن بی‌غرض و مرض تاریخ هستیم و همچون حضرت آقا و شهید بهشتی، به هیچ وجه راضی به نفی تمام آنچه مصدق انجام داد، نیستیم و حتی فکر نمی‌کنیم منظور امام خمینی از آن جمله مشهور، مسلمان نخواندن مصدق بود به حیث اعتقادی و دینی! با این همه، خوب می‌دانیم که هنوز هم سر «شیخ فضل‌الله»ها، هدف دار و درفش رجالگان غربزده است! و اگر بتوانند، امروز نام «نواب صفوی» را با «احمد کسروی» عوض می‌کنند و فردا «جلال آل احمد» را با «حسن تقی‌زاده» و پس‌فردا «علی شریعتی» را با «صادق هدایت» و هفته بعدش، واحیرتا! به این نتیجه می‌رسند که «مصدق» هم چندان نام مالی نیست! همان به که مجدد عوضش کنیم، ولی این بار با نام «محمدرضا پهلوی»! و اصلا بگو «رضاخان»! به خدا همین قدر بغض و کینه دارند این جماعت، ولو به آن ملی‌گرا یا روشنفکر که ذره‌ای عاقبت، عرق واقعی ملی در ضمیرش مستتر داشته باشد! و مگر «دکتر شریعتی» هم سپاه قدسی یا مدافع حرم است که او را نه «روشنفکر مصلح» که «روشنفکر مسلح» می‌خوانند؟! همین که چند خط برای «رسول امین برادر» نوشت، کافی است تا بکوبند مؤلف «آری! اینچنین است برادر» را! با یک فرض، حل می‌کنم معمای ذهن شما مخاطبان آشنا را! فرض کنید سه سال پیش، اعضای وقت شورای شهر، تصویب می‌کردند که خیابان «کارگر جنوبی» باید تغییر نام بدهد به مثلاً «شهید محمد بلباسی»! واضح است که چه الم‌شنگه‌ای راه می‌انداختند مدعیان دروغین اصلاحات و ملی‌گرایی! و حتی «خانه کارگر» این روزها ساکت، هیچ بعید نبود بیانیه بدهد در دفاع از حقوق کارگر! دیروز و در موسم انتخابات، از عرق جبین و کد یمین مقدس کارگر، سوءاستفاده‌ها کردند برای تبلیغ نامزدی که حتی در کارخانه محل کار کارگر هم، صرف نکرد برایش که همه‌اش برای چند دقیقه، از ماشین شاسی‌بلند خود پیاده شود! و امروز هم گویا نوبت قربانی کردن کارگر و نام نیک کارگر، پیش پای ملی‌گراهاست! ملی‌گراها که نه؛ «ملی‌نماها»! آری! ما هم «روحانی‌نما» داریم و هم «ملی‌نما» که اگر چه در لباسی متفاوت، لیکن هر دو یک نقش بازی می‌کنند؛ «غربزدگی»! غربزده‌ها را من اما خوب می‌شناسم! اینها حتی در تعاریف‌شان از دکتر مصدق هم صادق نیستند و هرگز مصدقی را که با دنیایی غم و رنج، ناشی از ندانم‌کاری‌های خود و ایضاً متأثر از قلب مریض اطرافیانش، رفت سر مزار شهدای قیام ۳۰ تیر، دوست نمی‌دارند! فاش می‌گویم که غربزده‌ها حتی از مصدق مؤثر در ملی شدن صنعت نفت هم، خیلی خوش‌شان نمی‌آید! جماعت، عاشق آن مصدقی هستند که توهم زده بود انگلیس و امریکا خیرش را می‌خواهند، نه آن سید والاتبار کاشانی!

و مگر نه آنکه امروز هم در ماجرای برجام، قول کری را تضمین می‌خوانند و اما نصیحت منتقد را، حواله به جهنم می‌دهند؟! آری! شکم سیری‌ناپذیر غربزده‌ها هرگز با تغییر نام یک خیابان، پر نمی‌شود! و تو مجبوری فردایی دیگر، تن به این خفت بدهی که اصلاً و اساساً چرا تهران باید بزرگراهی به نام «نواب» یا «آیت‌الله کاشانی» یا «شیخ فضل‌الله» داشته باشد؟! و مگر همین الان، مدح نمی‌کنند آن میرپنج بی‌سواد با کودتا سر کار آمده را؟! ما صدالبته درباره مصدق، اهل انصاف در داوری هستیم، ولی چگونه فراموش کنیم که اول انقلاب، زیر بیرق او و تحت لوای بی‌لوای «جبهه ملی» به مسلمات قرآن و احکام دین، اهانت کردند و آن گونه به خشم آوردند پیر جماران را؟! آیا به نام مطهر همه شهدا - که مظهر حقیقی ملی‌گرایی بودند! - خیابانی مهم زده‌اید و اینک در ورای کمبود اسم، آویزان به ریسمان مصدق شده‌اید؟! طرفه حکایت اینجاست؛ کاسبی با اسم مصدق دست‌کوتاه از دنیا را بلدید لیکن بلد نیستید از تجارب مصدق، درس عبرت بگیرید، بلکه دچار نشوید به سرنوشت غمبار او! و اگر در مقام کاسبی با اسم مصدق، خیلی اصرار دارید که او را «مظهر ملی‌گرایی» بخوانید، به شما می‌گوییم؛ «باشد! پس طوری شهر را مدیریت کنید که از ورای برف و باران و آن همه سوءتدبیر شما، این همه نلرزد تن مصدق در گور! که روح یک ملی‌گرای واقعی، بیش از آنکه با تعویض اسمش در خیابانی، شاد شود، با کار و خدمت به ملت، شاد می‌شود!» شهرداری که با تنبلی در مدیریت، حتی صدای هم‌فالوده‌های خود را هم درآورده، قطعاً با این قبیل مصوبات شورای شهر، رستگار نمی‌شود! نام مصدق اگر مریض، شفا می‌داد، ابتدا به کار خودش می‌آمد! نه! خط قرمز فعلی ما، امروزه‌روز، بیش از آنکه با سیاست‌مداران خوابیده در گور باشد، با کج‌کاری‌ها و کم‌کاری‌های دست‌اندرکارانی است که می‌خواهند با علم کردن امثال مصدق، اذهان مردم را از کارنامه ضعیف‌شان منحرف کنند! و این کاسبی، بدترین دشمنی‌ها با آن ان‌شاءالله مرحومی است که هر چه بود، هرگز راضی به بد و بیراه گفتن به شهدای ملت نبود! بلاشک جماعتی که حتی از کنایه زدن به شهدای مدافع حریم امنیت کشور هم ابا ندارند، لایق بردن اسم مصدق هم نیستند که غم روزگار را نزد شهدای قیام ۳۰ تیر می‌برد! سخن آخر؛ ما انقلاب نکرده‌ایم که کارگر، تنها در جنوب میدان انقلاب، نقش داشته باشد! شمال این میدان هم، از آن کارگر و به نام کارگر است! شهرداری و شورای شهر هم به جای این قبیل کاسبی‌ها با مرحومان، همان به که برف را از شاخه درختان بتکاند و خوش‌نشینی را از دامن خود!

مصدق «دوسیب» نیست که به کار دود قلیان و سفر به هپروت بیاید! گذاشتن نام «حسن روحانی» بر «کارگر جنوبی» که نشد کار! والله از شما، این هم برمی‌آید! و هر کار سخیف دیگری، جز خود «کار».

با ۳ طلا، یک نقره و ۲ برنز

تیم ملی کشتی آزاد ایران نایب قهرمان آسیا شد

ورزشی

تیم ملی کشتی آزاد ایران در پایان رقابت‌های قهرمانی آسیا با سه طلا، یک نقره و دو برنز نایب قهرمان آسیا شد. رقابت‌های قهرمانی کشتی آزاد آسیا دیشب در قرقیزستان به پایان رسید. تیم ملی کشتی آزاد ایران در پایان رقابت‌های قهرمانی آسیا با سه مدال طلای عزت‌الله اکبری در ۷۹، حسن یزدانی در ۸۶ و محمد جواد ابراهیمی در وزن ۹۲ کیلوگرم، یک مدال نقره مجتبی گلیج در وزن ۹۷ کیلوگرم و دو مدال برنز مصطفی حسین خانی در ۷۴ و امین طاهری در ۱۲۵ کیلوگرم و سه عنوان پنجمی نادر حاج آقانیا در ۵۷، ایمان صادقی در ۶۱ و یونس امامی در وزن ۶۵ کیلوگرم بر سکوی دوم آسیا ایستاد. سید احمد محمدی تنها نماینده ایران در این رقابت‌ها بود که در همان دور نخست حذف شد. عنوان قهرمانی این رقابت‌ها از آن ازبکستان شد که با استفاده از کشتی‌گیران روسیه و گرجستان تیمی چند ملیتی را تشکیل داده بود. قزاقستان نیز بر سکوی سوم آسیا ایستاد. در قرقیزستان، حسن یزدانی مانند المپیک ریو و قهرمانی جهان ۲۰۱۷ ستاره تیم کشورمان در آسیا بود و برای رسیدن به مدال طلا حریفان آسیایی‌اش را با اقتدار و امتیاز بالا شکست داد. یزدانی پس از استراحت در دور اول در دور دوم عظمت دولت بیکوف دارنده مدال نقره زیر ۲۳ سال جهان و نقره آسیا از قزاقستان را با نتیجه ۱۲ بر ۲ شکست داد. او در مرحله نیمه نهایی نیز در کمتر از سه دقیقه جاورایل شاپیف از ازبکستان را با نتیجه ۱۳ بر صفر مغلوب کرد و راهی دیدار فینال شد. حریف یزدانی در این دیدار اویوتمان اورگودول دارنده مدال نقره آسیا از مغولستان بود که او هم با ضربه فنی مدال طلا را تقدیم نابغه کشتی جهان کرد.

آخرین جزئیات پیدا شدن جعبه سیاه آسمان

حوادث

پیدا شدن جعبه سیاه هواپیمای سقوط کرده آسمان در کوه دنا با درگیری فیزیکی همراه شد. دو روز قبل بعد از تکذیب و تأییدهای مدام درباره پیدا نشدن جعبه سیاه، سرانجام سازمان هواپیمایی کشور کشف این جعبه سیاه را تأیید کرد. هنوز پای جعبه سیاه به پایتخت نرسیده بود که بهرام پارسایی، عضو هیئت رئیسه کمیسیون اصل ۹۰ مجلس از اعمال فشارهایی بر استانداری کهگیلویه و بویراحمد خبر داد که مانع از واگذاری جعبه سیاه به دادستانی دنا می‌شد. او به ایسنا گفت: این افراد می‌خواستند پیش از رؤیت دادستانی، جعبه سیاه را به تهران منتقل کنند که خوشبختانه جدیت مدیریت بحران و معاونت عمرانی استانداری کهگیلویه و بویراحمد جلوی این اقدام را گرفت و نهایتاً منجر به تحویل جعبه سیاه به دادستانی شد. وی افزود: این مسئله به درگیری فیزیکی هم منجر شد، آنها می‌خواستند قبل از رؤیت دادستانی جعبه سیاه را به تهران ارسال کنند که خوشبختانه موفق نشدند.

زمان بازخوانی اطلاعات معلوم نیست

حسن رضایی‌فر، رئیس کمیسیون بررسی سانحه هواپیما یاسوج هم تأیید کرد که ظاهر جعبه سیاه نشان می‌دهد که صدمه چندانی به آن وارد نشده اما با توجه به اینکه این جعبه برای مدت حدود دوهفته زیر بارش برف و باران قرار داشته‌است، احتمال نفوذ آب در آن وجود دارد از این رو باید بازسازی و بازخوانی حافظه جعبه سیاه روی دستگاه جدیدی اجرایی شود. وی درباره زمان تخمینی نهایی شدن بازخوانی اطلاعات نیز گفت: نمی‌توان زمان دقیقی را برای نهایی شدن بازخوانی اطلاعات در نظر گرفت، اما تمام تلاش ما این است که در کوتاه‌ترین زمان ممکن، این اطلاعات مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد.

درگیر نشدیم، همکاری کردیم

جعفرزاده، مدیر روابط عمومی سازمان هواپیمایی کشوری اما وجود درگیری را تکذیب کرد و به ایسنا گفت: نمایندگان این سازمان در حین دریافت جعبه سیاه با دادستانی همکاری‌های لازم را به عمل آوردند و هیچ درگیری و مشکلی در این زمینه به وجود نیامده است.